

البيعة لله

البيعة لله

نکته‌ها

البيعة لله

البيعة لله



البيعة لله

البيعة لله

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

از غربت حسین تا غربت مهدی

نویسنده: شعیب وفادار

تاریخ: ۱۴۰۰/۵/۲۶

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی شود.

بِإِذْنِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عباس یک ماهی بود که به آپارتمان ما اثاث‌کشی کرده بود و همسایه‌ی دیوار به دیوار ما شده بود. در همین مدّت کم، با او دوست شده بودم؛ چون پسری معنوی و اهل نماز و عبادت بود. به من گفت: ای بابا! ماه محرم که می‌شود، هر چه آدم جوراجور است پیدا می‌شود و حسین حسین می‌گوید! آن یکی یک رکعت نماز تا الان در مسجد نخوانده، آن دیگری کلاً امامت امام حسین را قبول ندارد! گفتم نگو این طور. تو از فکر و دل مردم چه خبر داری؟! این مردم از بچگی با نام حسین و یاد او بزرگ شده‌اند. بعد هم مگر واقعی کربلا یک بحث مذهبی و تعصّبی است تا فقط لازم باشد که گروه خاصی به آن حضرت ارادت داشته باشند؟! شأن عظیم امام حسین از متن اسلام برخاسته و شرح مظلومیت آن حضرت هم یک نقل تاریخی است و جدا از آن، خبر داری که در حدیث صحیح نبوی هم حسنین علیهما السلام سرور جوانان اهل بهشت خطاب شده‌اند.

چند دقیقه‌ای از گفتگوی من و عباس نگذشت که عباس با آرنجش به من زد. به او نگاه کردم. با سر درب ورودی را نشانم داد. دیدم که جمشید تازه وارد مجلس شده است و در حال پیدا کردن یک جا برای نشستن است. او در محله‌ی ما مغازه‌ای داشت. فروشنده‌ی منصفی بود و با مشتری مدارا می‌کرد. من و عباس را که دید، به سمتمان آمد و نزدیک‌مان

کودکی که از مادرش دور افتاده باشد، گریه می‌کرد و ضجه می‌زد، تا جایی که حالتی شبیه به غش به او دست داد. من و چند نفر دیگری که کنارش نشسته بودیم، بلندش کردیم و از مجلس بیرون بردیم تا صدای بلندگوها کم بشود. قدری آب به صورتش پاشیدیم، شربت آب قندی درست کردیم و به او دادیم تا اینکه بعد از چند دقیقه سر حال شد. در همان حالت زاری که داشت، گفتم: جمشید جان! چه شده؟ خدا قبول کند، خیلی منقلب شدی. سرش را تکانی داد. بعد از مکثی گفت که شب اول محرم پدرم را که از دنیا رفته در خواب دیدم که بین جمعیتی نشسته بود. خیلی ناراحت بود. گفتم: چرا ناراحتی پدر جان؟! پاسخ داد: به خاطر آن مرد ناراحتم. گفتم: کدام مرد؟ با دستش به پشت سرم اشاره کرد. رویم را برگرداندم، یک مرتبه دیدم که روبرویم دشتی است پر از خیمه‌های به زمین افتاده و مردی تک و تنها می‌خواهد خیمه‌ی اصلی و بزرگی را سر پا کند. به پدرم نگاه کردم و پرسیدم او چه کسی است و چه می‌کند؟ پدرم پاسخ داد که او امام مهدی علیه السلام است و قصد دارد خیمه‌ی امام حسین علیه السلام را که در روز عاشورا بر زمین افتاد، بر پا کند، ولی تنهاست و یآوری ندارد. من در خوابم بی‌معطلی به طرف آن مرد حرکت کردم، حتی در آن لحظه دیگر پدرم هم از یادم رفت، اما ناگهان از خواب بیدار شدم. آن شب خیلی حالم خراب بود. همان طور که سر جای خودم نشسته بودم، برای غربت و مظلومیت امام حاضر خیلی گریه کردم. به این فکر می‌کردم که پدرم و جمعی کثیر، نظاره‌گر آن مردی بودند که به گفته‌ی آنان امام مهدی علیه السلام بود و او به تنهایی تلاش می‌کرد تا خیمه‌ای را بر پا کند. امشب هم که مداح از خیمه‌های آتش گرفته گفت، صحنه‌هایی که در خواب دیده بودم به یادم آمد و به همین خاطر غصه‌ام بیشتر شد و نزدیک بود از حال بروم.

این ماجرا را که عباس تعریف کرد، به او گفتم همین الان با من بیا و به سمت مغازه‌ی جمشید حرکت کردیم. بعد از سلام و خوش و بش، از جمشید خواستم تا داستان خوابش را این بار خودش برایم تعریف کند. می‌گفت آن طور که آن مرد را در خوابش دیده، اگر حقیقتاً امام مهدی علیه السلام باشد، او به کمک نیاز داشت، در حالی که مردم از دور در حال تماشای او بودند و قدم از قدم برنمی‌داشتند. شاید هم آنان مانند پدر او دست‌شان از دنیا کوتاه شده بود و دیگر فرصت را از دست داده بودند. شنیدن این ماجرا از خود جمشید و بدون واسطه، من را به تکبیر واداشت...

امروز سه سال از آن ماجرا می‌گذرد. خداوند اتفاقات آن شب را سببی قرار داد تا هم عباس و هم جمشید، مطالعات خود را آغاز کنند و با بررسی آثار ارزشمند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی و گفتمان بازگشت به اسلام خالص و کامل، از تنها دلیل غیبت و غربت مهدی علیه السلام آگاه شوند و برای رفع آن به نهضت زمینه‌سازی برای ظهور بپیوندند. آن‌ها امروز در لوای نهضت مقدس خراسان، با شوقی فراوان و کوششی خستگی‌ناپذیر، برای انتقام خون حسین و برپایی خیمه‌ی او توسط فرزندش مهدی و برای اعتلای نام حق و قیام علیه باطل مجاهدت می‌کنند. «پس از خداوندی که مقام مولایمان حسین را گرمی داشت و ما را (بواسطه‌ی او) کرامت بخشید، مسئلت داریم تا خون خواهی او را همراه با پیشوایی منصور از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به ما روزی دهد.»^۱

مقاله‌ها و نکته‌های دیگر از این نویسنده:

۱. نکته‌ی «در فقدان عدالت»

۲. نکته‌ی «کاغذ هدایت»

۳. نکته‌ی «دانشجوی ستاره‌دار»



۱. ترجمه‌ی فرازی از زیارت عاشوراء

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.